

دکتر نشان : فرصت برای تغییرات دیگر نبود ●
نمایش‌های روز اول جشنواره ◀



اسکیزهای سودربرگ در کافه‌تریای چهارسو

«رون سودربرگ» طراح صحنه بزرگ اروپایی و یکی از اعضای گروه تئاتر «مارین باد» امسال علاوه بر اجرای دو نمایش در بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نمایشگاهی از اسکیزهای خود در کافه‌تریای تالار چهارسو برگزار می‌کند.

انجمن نمایشگران تئاتر خیابانی خانه تئاتر نقد می‌کند

امسال و برای نخستین بار انجمن تئاتر خیابانی خانه تئاتر، کلیه کارهای بخش خیابانی بیست‌وسومین جشنواره تئاتر فجر را نقد و بررسی می‌کنند. به همین منظور هیأت مدیره انجمن با هماهنگی خانه تئاتر تعدادی از افراد را برای این کار در نظر گرفته است. این افراد که ۵ نفر هستند شامل: هنرمندان تئاتر خیابانی تهران و شهرستان و اعضای انجمن تئاتر خیابانی می‌شوند.

این افراد تمامی نمایش‌های خیابانی اجرا شده در فضای باز مجموعه تئاتر شهر را می‌بینند و نقدهای خود را هر روز از طریق جراید و سایت ایران - تئاتر منتشر می‌کنند.

ملاقات تئاتر ایران و اروپا

گفت‌وگوی تئاتر ایران و جهان زیر نظر فریندخت زاهدی در هتل فردوسی برگزار می‌شود. در این برنامه کلیه علاقه‌مندان تئاتر و خبرنگاران می‌توانند پرسش و پاسخ با گروه‌های خارجی شرکت‌کننده در جشنواره و دیگر مهمانان داشته‌باشند.

مسئولین جشنواره امسال به دلیل فراهم نشدن فضای مناسب در مجموعه تئاتر شهر، این جلسات پرسش و پاسخ را به گونه‌ای دیگر در هتل فردوسی برگزار می‌کنند. لازم‌به ذکر است که این جلسات هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در این مکان تشکیل می‌شود.

اجرای عمومی نمایشهای خیابانی

موضوع اجرای عمومی از جمله دغدغه‌های هنرمندان تئاتر خیابانی است اما امسال قرار است این هنرمندان از این نظر نگرانی کمتری داشته باشند. طبق هماهنگی‌هایی که انجام شده است، ۲۰ نمایش خیابانی از میان آثار تهرانی و شهرستانی شرکت‌کننده در جشنواره به معرض اجرای عمومی گذاشته می‌شوند. این گروه‌ها با مرکز هنرهای نمایشی قرارداد خواهند بست.

همچنین امسال برای اولین بار، نمایش خیابانی ویژه مدارس اجرا می‌شود. یعنی امسال این نمایشها علاوه بر اجرا در فضای باز تئاتر شهر، تالار سنگلج، تالار هنر و چندین پارک در هنرستان روز آزادی، هنرستان خلاق و دبیرستان ملک پور نیز اجرا می‌شوند. هر نمایش خیابانی در طول برگزاری جشنواره بین ۲ تا ۵ اجرا دارد.

نمایشهای جشنواره توسط تمام اعضای کانون ملی منتقدان تئاتر ایران داوری می‌شوند

اعضای کانون ملی منتقدان تئاتر ایران، نمایشهای شرکت‌کننده در جشنواره تئاتر فجر را داوری می‌کنند. هیأت داوران کانون مرکب از تمام اعضای آن است. به این صورت که هر نمایش توسط سه منتقد از کانون دیده می‌شود. جدول جشنواره امسال طوری بسته شده که امکان دیدن تمام نمایشها برای یک شورای واحد وجود ندارد، به همین خاطر تمام اعضای کانون، نمایش‌های امسال را داوری می‌کنند.

احتمال دارد نتایج آرای کانون در روز اختتامیه اعلام شود، اما جوایز برگزیدگان در مراسم جشن سالانه کانون در سال ۸۴ اهدا می‌شود.

اعضای کانون همچنین بولتنی را نیز ویژه نقد آثار جشنواره چاپ می‌کنند. این بولتن در ۵ شماره در روزهای دوم، چهارم، ششم، هشتم و دهم جشنواره منتشر می‌شود. نشریه روزانه جشنواره، حضور این ویژه‌نامه نقد را خیرمقدم می‌گوید.



روخوانی پانزده نمایشنامه در جشنواره امسال

جلسات نمایشنامه خوانی از جمله برنامه های پرطرفدار هر دوره از جشنواره است. این جلسات که پیش از این، در کافه تریای اصلی تئاتر شهر برگزار می شد امسا در خانه هنرمندان ایران و با حمایت کانون نمایشنامه نویسان خانه تئاتر با هماهنگی رضاجابر انصاری، برگزار می شود. در این برنامه ۱۵ نمایشنامه روخوانی می شوند.

رضا جابر انصاری در باره احتمال اجرای عمومی این نمایشنامه ها گفت: «در آخرین صحبت هایی که با دبیر جشنواره انجام دادیم، ایشان بشدت از این موضوع استقبال کردند اما قرار شد صحبت های نهایی و برنامه ریزی های اصلی مان به اسفند ماه موکول شود.»

وی افزود: پیشنهاد ما این است که اگر یک سالن به ما اختصاص داده شود، می توانیم برای ۱۵ نمایشنامه نوبت اجرای عمومی بگیریم که این می تواند رویای خوب و بسیار مثبت باشد و زحمت گروه ها تنها به خواندن صرف یک نمایشنامه منجر نشود.»

وی در باره احتمال اجرای این نمایشها در خانه تئاتر یا خانه هنرمندان ایران گفت: «خانه تئاتر فعلاً آمادگی این کار را ندارد زیرا سالن آنجا فضای کوچکی دارد که توانایی سرویس دهی به این گروه ها را ندارد. اما پیشنهاد انجمن این است که برای رونق بیشتر خانه نمایش اداره تئاتر، بد نیست که این نمایش ها در آن جا نوبت اجرای عمومی بگیرند.»

به گفته وی، اجرای این نمایش ها در مکانی مانند خانه هنرمندان مستلزم توافق با این مکان است چون به هر حال خانه هنرمندان برنامه های ویژه خود را دارد و باید بتواند به گروه های متقاضی سرویس بدهد.

جابر انصاری در باره داوری آثار شرکت کننده در جشنواره نمایشنامه خوانی گفت: «با دوستانمان در انجمن منتقدان و نویسندگان صحبت

کرده ایم که این جلسات را پوشش دهند و در صورت امکان، می توان از اعضای انجمن به عنوان داور استفاده کرد اما در مورد چگونگی انجام این موضوع هنوز تصمیم گیری نشده است.»

وی در پایان اظهار امیدواری کرد در صورت توافق خانه تئاتر، بتوان یک روز را به نقد و بررسی آثار شرکت کننده در جلسات نمایشنامه خوانی اختصاص داد.

«کلاغ و کلمه» و اجرای هشت «ویدئو - تئاتر»

گروه تئاتر «کلاغ و کلمه» مجموعه هشت «ویدئو - تئاتر» خود را همزمان با افتتاح بیست و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در «کارگاه تجربه» خانه هنرمندان به نمایش می گذارد.

این گروه هشت نفره، فارغ التحصیلان دانشجویان تئاتری هستند که در حوزه های مختلف هنری، فعالیتهای متعدد دارند.

چندماه پیش، گروه اولین نمایشگاه «ویدئوآرت» خود را برگزار و تصمیم بر ادامه آن گرفت. اعضای گروه «کلاغ و کلمه» معتقدند با اجرای این ویدئو آرتهای به دنبال خلق هستند و می خواهند میان رسانه «تئاتر» و «ویدئو» یک ارتباط مستقیم برقرار کنند.

این اتفاق از دید گروه در عصر "newart" یا همان هنرهای جدید، بیش از هر چیز به چشم می آید، چراکه در این دوران یک اثر هنری را نمی توان تنها به یک هنرخاص منسوب کرد، بلکه ترکیبی از چندین هنر در آن به چشم می خورد. این گروه هشت نفره در طول جشنواره بیست و سوم مجموعه هشت «ویدئو - تئاتر» از نمایش های بزرگ جهانی را به معرض دید عموم می گذارند. کارهایی چون «ویتسک» اثر بوخز، «آخر بازی» اثر بکت، «کالیگولای» کامو، «هملت» شکسپیر، «کودک مدفون» سام سپارد، «در انتظار گودو» ی بکت، «یرما» اثر لورکا و «مده آ» اثر ژان آنوی با کارگردانی و طراحی افرادی چون یونس لطفی، هوپند لشکری نژاد، میثم امیراصلانی، مهدی میر محمدی، کیوان رغیب مطلق، فرهاد فزونی، پانته آ اصلانی و رامین سیار دشتی در این برنامه ارائه می شود. این نمایشها هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۶ در تالار تجربه خانه هنرمندان به دید عموم گذاشته می شود.



یکی از چند نفر

سجاد صاحبان زند - مجید توکلی



و مادرش، با مردی زندگی می کند. اما بعد از مدتی همسرش را دیگر دوست ندارد چرا که دیدگاهشان کم کم با هم اختلاف پیدا می کند شوهر آنووا وارد کار تجارت می شود و زن با این کار شوهرش موافق نیست. این تقابل و کشمکش منجر به خودکشی شوهر و غرق شدن آنووا می شود.

کارگردانی «آنووا» را داوود دانشور به عهده دارد و بر اساس متنی از «آما آتا آیدو» نویسنده غنایی روی صحنه می برد. بازیگران این نمایش؛ امان رحیمی، رضا امامی، مریم قلهکی و اکبر احمدی هستند و در تالار قشقای اجرا می شود.

مفتش؛ قصه هفت مرگ

«مفتش» شامل هفت قصه کوتاه تر است که به مساله مرگ می پردازد. در این هفت قصه، بخشی از تاریخ تئاتر ایران هم به نمایش در می آید.

یکی از این هفت قصه، قصه مرگ صادق هدایت است. مرگ سراغ این نویسنده می آید ولی او را نمی کشد چرا که احساس می کند حضور صادق هدایت باید زنده باشد.

بهزاد فراهانی نویسنده و کارگردان نام آشنای تئاتر این کار را نوشته و کارگردانی کرده است. او خودش را در این نمایشنامه به تمام نویسندگانی که قبل از آن زندگی کرده اند مدیون می داند. بازیگران این نمایش عبارتند از: فهیمه رحیم نیا، گلشیفته فراهانی، هوشنگ قوانلو، عباس شادروان، مهرخ افضلی و... این نمایش در ساعت ۱۸/۳۰ در تالار اصلی تئاتر شهر به نمایش در می آید.

مردی در بند؛ باز آفرینی یک اسطوره

«پرومته در زنجیر» یکی از آن قصه های کلاسیک و شناخته شده تاریخ تئاتر است. عبدالحی شماسی این نمایش را بازنویسی کرده و آنرا به صورت مدرن و امروزی نوشته است: «مادر و پسری که در اصل همان «تملیس و پرومته»، هستند منتظر سه نفر از

همیشه روزهای اول با این پرسش آغاز می شود که امسال چه اتفاق عجیبی رخ می دهد؟ آنهایی که با تجربه ترند کمی به این قضیه عادت کرده اند و پرسش هایشان را به آرامی می پرسند. اما جواناتر ها هنوز هم می پرسند امسال چه اتفاق عجیبی رخ می دهد؟

با این که امسال، جشنواره غیر رقابتی شده اما باز هم با همان روند سالهای گذشته، نمایشها پشت سر هم به نمایش در می آیند. آدم باید وقتش را جوری تنظیم کند که به نمایش موردعلاقه اش برسد. برای دیدن نمایشهای مورد علاقه تان این صفحه را بخوانید.

هاییل و قابیل؛ روایت تنهایی یک مرد

انگار هر چه زمان می گذرد، آدم به دوران اولیه آفرینش نزدیک تر می شود و تنها تر. انگار دنیای مدرن، ما را به سوی نوعی تنهایی و انزوای بیشتر پیش می برد. «هاییل و قابیل» روایت کننده همین تنهایی ها است، تنهایی های مردی که با تنهایی اش کنار آمده و حتی آن را دوست دارد.

آتیلا پسپانی این نمایش را کارگردانی می کند که نام بسیار آشنایی در عرصه تئاتر ما است. از پسپانی تا حالا کارهای متفاوت و تجربی ای از جمله «بحر الغرایب»، «کالیگولا، شاعر خشونت»، «قهوه قجری»، «گنگ خواب دیده»، «بسه دیگه خفه شو» و ... دیده ایم. متن کار به عهده علیرضا کوشک جلالی است.

قابل توجه است که تنها بازیگر نمایش، خود پسپانی است و تصاویری که در کار مورد استفاده قرار می گیرند حاصل تلاش پوریا آذربایجانی، تینوش نظم جو و کارگردان بوده است.

هاییل و قابیل امروز در ساعت ۱۷ در تالار چهارسو واقع در تئاتر شهر اجرا می شود.

آنووا؛ زنی که خودش را غرق می کند

قصه دختری که شوهرش را دوست ندارد، در بسیاری از قصه ها و افسانه ها آمده است. «آنووا» هم قصه زنی است که البته به میل خودش و علی رغم مخالفت پدر

این نمایش ابراهیم اردبانی (هی) و سعید آقاییان (های) بازی می‌کنند.

«آخر بازی» در ساعت ۱۵ در خانه نمایش به نمایش در می‌آید. این نمایش هفتاد دقیقه است و کاری است از شهرستان شاهرود.

دیگر نمایشهای امروز که در سالن‌های مختلف به نمایش در می‌آیند عبارتند از: منطقه اشغال شده - در تالار وحدت (ساعت ۱۹)، عشق، رویا، تاریکی - در تالار سنگلج (ساعت ۱۶ و ۱۸/۳۰)، کاغذ بازی - در تالار مولوی (ساعت ۱۵ و ۱۷/۳۰)، من باید بروم خیلی دیر شده - در کارگاه نمایش (ساعت ۱۴ و ۱۸ و ۲۰)، یک بلیت برای ثبت - در کافه تریای تالار اصلی (ساعت ۱۵)، پنج کاپریس برای ویولن - در تالار خورشید (ساعت ۱۶)، خاکستری - در تالار نو (ساعت ۱۶)، مهاجران - در تالار کوچک (ساعت ۱۶ و ۱۹) و مجلس شبیه خوانی فضل و فتح - در فضای باز تئاتر شهر (ساعت ۱۴)

وابستگان زورمندانی هستند که قرار است یکی از آنها با «پروتمه» به مخالفت برخیزد. پس از ورود آن، سه نفر و آزار و شکنجه پسر، او را به صورت مترسکی مومیایی شده در می‌آورند و می‌روند».

کارگردانی این کار با سید جواد طاهری است که پیش از این کارهایی از جمله «پوشه های خاکستری»، «بازگشت لوکوموتیو ران» و «حکایت شهر سنگی» را در کارنامه اش دارد.

در این نمایش، کوروش زارعی، مجید امیری، احمد سلیمانی، مهدی نیک روش و... بازی می‌کنند و زمان نمایش آن، ساعت ۱۷/۳۰ در تالار سایه، تئاتر شهر است.

هفت بیجار یونانی، ترکیبی از نمایش ایرانی و غربی

«هفت بیجار یونانی»، نمایشی است ترکیبی که در آن از «بازخوانی»، «سیاه بازی»، «خیمه شب بازی»، «لال بازی»، «تعزیه خوانی»، «پرده خوانی» و «نقالی»

و... استفاده شده است. قصه

هفت بیجار یونانی هم مربوط به «داستان ایلباد» هومراست که در قالب شیوه های ایرانی ساخته شده و حوادث و گفت و گوهای اصلی آن توسط «سیاه» در نمایش گفته می‌شود.

پژمان بازارگان، خود این نمایش را نوشته و کارگردانی کرده است. او پیش از این نیز کارهایی چون «آیاس»، «مسیح هرگز نخواهد گریست»، «روزی از روزهای اسب» و «لوردچی» را نیز کارگردانی کرده است.

این نمایش در ساعت ۱۶ در تالار هنر اجرا می‌شود. با این تذکر که این نمایش فردا هم در همین ساعت و همین مکان دوباره اجرا خواهد شد.

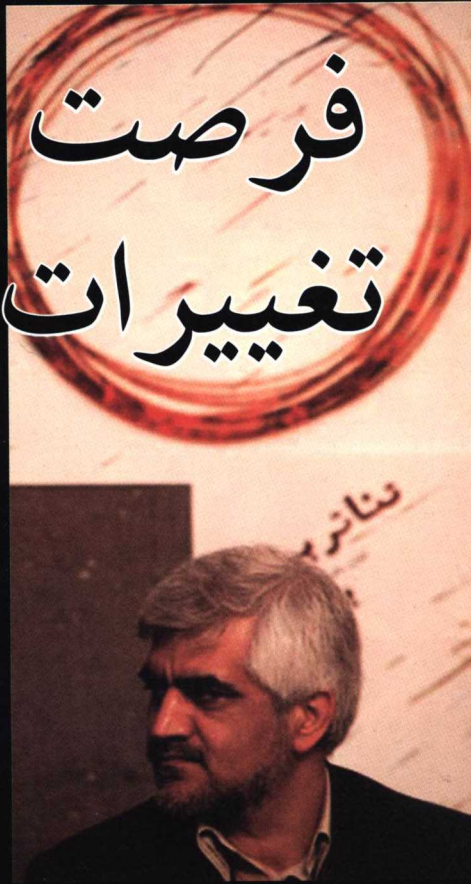
آخر بازی؛ پایان زندگی

آخر دنیا و رسیدن به نقطه پایان دستمایه بسیاری از متون نمایشی و غیر نمایشی بوده است. این بار هم «هی» و «های» تمامی مراحل زندگی را گذرانده اند و در انتظار رسیدن آخرین مرحله آن هستند. در این انتظار آنها دوباره به گذشته خود بر می‌گردند و آن را بازی می‌کنند. اما همچنان در انتظار رسیدن آخرین مرحله زندگی شان هستند.

«آخر بازی» نوشته و کار محمد عرب اسدی است که پیش از این نیز کارهای «شب و گربه و زیر طاقی»، «دزد دریایی»، «چند و چون به چاه رفتن چوپان» و... را در کارنامه اش دارد. همچنین در



فرصت تغییرات برای دیگر نبود



اشاره:

این روزها فرصت‌برای یک گفت‌وگوی جدی با رئیس مرکز هنرهای نمایشی تقریباً محال است. شاید پانزده دقیقه یا کمی بیشتر فرصت برای گفت‌وگو باشد که در این مجال به چالش کشاندن بحث‌ها محال است. هرچند از ابتدا هم قصد مان چالش نبود که چالش حقیقی این روزها در سالنهای تئاتر روی صحنه است. چند سؤال مهم‌تر را مد نظر قرار دادم و گفت‌وگو با رئیس مرکز هنرهای نمایشی هم‌زمان با شروع جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر پیش روی شماست.

زمان‌بندی اجراهای جشنواره که امسال تقریباً یک هفته مانده به جشنواره منتشر شد که به نظر می‌آید تا این لحظه نشانه نظم در برگزاری این دوره از جشنواره است یا این نکته که سعی شده علی‌رغم تنگناهای مالی که وجود دارد به تعهداتمان نسبت به گروه‌های حاضر در جشنواره عمل کنیم و به شکل بهتری این کار صورت بگیرد. از جمله ساخت دکور گروه‌های نمایشی قبل از جشنواره، بطوری که دو روز پیش از جشنواره دکور نمایش‌هایی که تا روز پنجم جشنواره اجرا دارند آماده بود. توجه به گروه‌های استانی چه از نظر تعداد گروه‌های استانی حاضر در جشنواره و چه از جهت مدت اقامت و بهره‌برداری از برنامه‌های جشنواره و حمایت‌های مالی از آنها شاید یکی دیگر از این ویژگی‌هاست.

حضور بیش از چهل مدیر جشنواره‌های معتبر جهانی که می‌تواند به تعاملات بین‌المللی ما کمک کند و تنوع در کارهای حاضر در این دوره از جشنواره از ویژگی‌های دیگر این دوره است و البته یک اتفاق ویژه که عکس‌العملی متفاوتی را در برداشت؛ حذف رقابت در جشنواره است.

***در این مورد خاص بیشتر صحبت می‌کنید؟**

- فکر می‌کنم این حذف (حذف رقابت) فلسفه و زیربنای درستی دارد. در بعضی فعالیتها نفس رقابت جزو ذات آن فعالیت است مثل رویدادهای ورزشی. اما در بعضی فعالیتها رقابت نه تنها جزو ذاتشان نیست بلکه وجودش به آن فعالیت لطمه می‌زند.

***از طرفی شاید در این شکلی که ما سالهاست جشنواره را برگزار می‌کنیم شرایط عادلانه‌ای برای رقابت در جشنواره وجود ندارد؟**

- دقیقاً رقابت در این شکل ناقص بود. مثلاً گروه‌های خارجی و حرفه‌ای از بخش مسابقه خارج بودند که نتیجه‌اش افت بخش رقابتی جشنواره بود. از طرفی عادلانه نیست گروه‌های خارجی را که گاهی بعضی از آنها ده سال است نمایش حاضر در جشنواره را در سالنهای متعدد در دنیا اجرا کرده‌اند وارد مسابقه کنیم و در رقابت با کاری ایرانی قرار دهیم که اولین اجراشان را در جشنواره دارند و همانطور که گفتم مسابقه جزو ذات این حرکت فرهنگی نیست پس چه اصراری به بودنش داشته باشیم؟

***حالا که این دوره از جشنواره بدعت‌هایی اینچنینی را سبب شده چرا با حذف بخش بازخوانی یکی دیگر از آسیب‌های جشنواره را اصلاح نکردید؟**

- فرصتی برای این کار نداشتیم. فکر می‌کنم برای رویدادی بین‌المللی مثل جشنواره فجر، حداقل باید یک

* مقایسه کردن همیشه بخشی از ذهن آدم را به خودش مشغول می‌کند. حالا اگر ما بخواهیم جشنواره بیست و سوم تئاتر را با دوره‌های قبلاش مقایسه کنیم و به مشخصاتی که خاص این دوره است برسیم آنچه که بیش از همه خودش را نشان می‌دهد این است که ویژگی‌های این دوره بیشتر تغییرات ساختاری است که برای این جشنواره بین‌المللی تئاتر رخ داده، مثل غیر رقابتی شدن جشنواره با اختصاص بودجه‌ای برای ساخت دکور که به خود گروه‌ها پرداخت شده و... یک جور تغییرات درون جشنواره‌ای. خیلی از این تغییرات برای مدیری که ۸ ماه نیست به این وادی آمده ریسک بود. خودتان چه فکر می‌کنید. قیاس این دوره با دوره‌های پیشین؟

- در دوره‌های قبلی خیلی در مواجهه مستقیم با جشنواره نبودم تا بتوانم قیاس کاملی داشته باشم. ولی از صحبت‌هایی که این روزها می‌شنوم، می‌توانم بعضی مشخصات این دوره را حدس بزنم. از اتفاقات ریزی مثل ارائه جدول



من، زندگی، تئاتر

مئینه محامدی

می دانم آرزوی محالی است بازگشت به گذشته، به دوره ای که دخترکی هفت ساله بودم دورانی که برادرم، زنده یاد دکتر حمید محامدی به اتفاق دوستانش، جعفر والی، هوشنگ لطیف پور، فهیمه راستکار، بیژن مفید و... گرد هم می آمدند، جمعی که هر روز ساعتی را در منزل ما به تمرین نمایش می پرداختند و من مجذوب و شیفته بازی آنها و غافل از بازی کودکانه ام و بی خبر از اولین جرقه هایی که زندگی مرا دگرگون می کرد، بی آن که بدانم این شعله عشق تا به کجا خرمن هستی مرا به آتش خواهد کشید، هرچه بود از برکت وجود برادری بود که همچون شمع می سوخت تا محفل دیگران را روشنی بخشد، چه بسیار گمنامان که در پرتو روشنی بخش اش نام آور شدند.

و آنچه را که خود من امروز دارم از اوست اما با غمی جانگداز جای خالی او نصیب من. او که اولین بار مرا با تئاتر آشنا می کرد خود هرگز بر صحنه نمایش به اجرای نقشی نپرداخت عجیب که در تئاتر زندگی اش چندین نقش دشوار را به موازات یکدیگر به اجرا در آورد.

من که در ۵ سالگی پدر را از دست داده بودم، وی را نه تنها برادر که پدر یافتم و همین طور استادی مسلم و روشنفکری متعهد و آگاه بر تمامیت فرهنگ ایران زمین.

باور دارم اگر آن شعله زبانه نمی کشید و آن عشق انگیزه نمی شد تصور مفهومی دیگر از زندگی برایم غیر ممکن بود. باری، من و زندگی و تئاتر، تئاتر و زندگی و من چون رشته ای به هم بافته در هم تنیده جدایی ناپذیر است و این میسر نبود مگر به یاری برادری که غم از دست دادنش همچنان با من است.

به پاس همه خوبیها و به رسم یادی از او اجرای نمایش نگاهی از پل در بیست و سومین جشنواره بین المللی فجر را به زنده یاد دکتر حمید محامدی عرضه می دارم.



خیز یکساله برای اجرائش برداشت و برای یک تصمیم گیری بنیادی باید بیش از یکسال فرصت می داشتیم تا تصمیم را پخته به عمل برسانیم. در حالی که هشت ماه از عمر کاری دوره جدید نمی گذرد و نیمی از آن مدت هم صرف مقدمات کاری خودش شده این کار را ناممکن می کرد و چه بسا ممکن بود یک تصمیم گیری شتاب زده شکل بگیرد و این در جریان عمل به دلیل اینکه مراحل پختگی را طی نکرده، یک ایده مطلوب را با شکست مواجه کند و کلیت آن را زیر سؤال ببرد. ضمن اینکه بعضی از مراحل جشنواره پس از فراخوانی که در اسفند ۸۲ صادر شده بود حذف نشدنی بود و قابلیت تجدید نظر در میانه راه نبود.

از همه اینها گذشته گمان می کنم ما باید از یک تجربه میانه در جشنواره امسال بگذریم تا حقانیت این تفکر در جریان عمل به اثبات برسد و سپس تغییرات دیگر با دلگرمی رخ بدهد.

* شعار جشنواره امسال «تئاتر برای همه» در قیاس با دوره های گذشته هم نشان از تفاوت در نگرش برگزار کنندگان است. شعار امسال کمتر جنبه بین المللی دارد و بیشتر شعاری است برای تئاتر ایران و پاسخی به نگرانیها و دغدغه امروز تئاتری هایمان. یعنی برای تئاتریها شعار ملموسی است.

- فکر می کنم مهم ترین نکته ای که در انتخاب شعار جشنواره باید لحاظ شود این است که چشم انداز و دورنمای تئاتر را در دل خود داشته باشد. جیتی که باید در برنامه توسعه تئاتر در پیش بگیرد را با صاحب نظران بسیار مرور کردیم و به این شعار رسیدیم. تئاتر باید به سوی «برای همه بودن» حرکت کند.

* واقعا «تئاتر برای همه» اگر بخواهد تحقق پیدا کند ابزار می خواهد، اینطور نیست؟

- صددرصد. ما فعلاً در شرایطی به سر نمی بریم که بشود تئاتر را برای همه عرضه کرد. اگر همه شرایط فراهم بود ما دیگر این عنوان را برای شعار مطرح نمی کردیم. شعار جزو چیزهایی است که باید به آن برسیم یا به آن نزدیک شویم. یک دورنما و آرمانی را مشخص می کند.

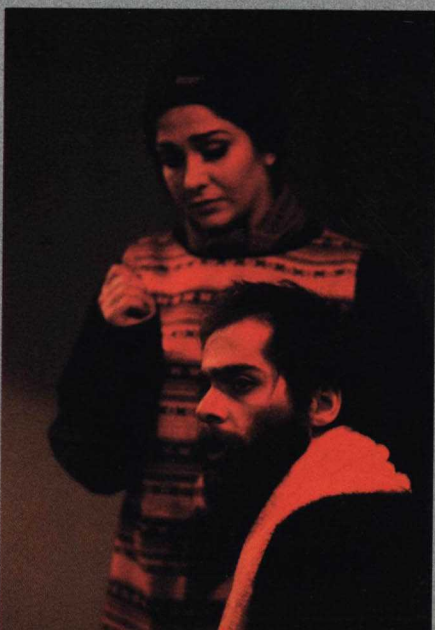
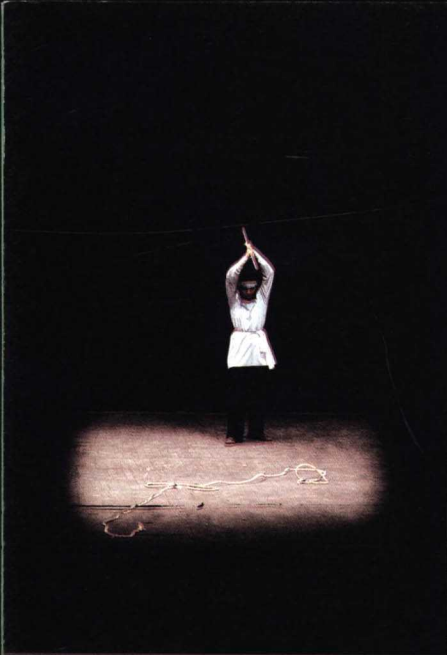
* چقدر فکر می کنید در سال جدید تئاتری مهمترین دغدغه تئاتری ها که بودجه است دیگر مشکل ساز نباشد؟

- قاعده بر این است که این شعار به صورت برنامه تدوین شود و در برنامه توسعه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی کشور تبلور پیدا کند. طبیعی است که اگر به عنوان برنامه تلقی نشود بعد از جشنواره باید درصدد جذب بودجه برای آن بود. بعید می دانم این شعار با آن برنامه در طول زمان کوتاهی به واقعیت تبدیل شود ولی جای خوشحالی است که تئاتر ما جنبه هدف مندی اش بیشتر شود.

* خب در طول جشنواره شما را در سالن های تئاتر می بینیم؟

- خوشبختانه با تفکیک وظایفی که در جشنواره صورت گرفته، حدسم بر این است که فرصت برای دیدن نمایشها فراهم باشد.





نگاهی به نمایش «آخرین بازی»
به کارگردانی محمدرضا درند

یک مقدمه قابل پذیرش

رضا آشفته



و در این بین رابطه این دو بازیگر که در پوست و جلد دو آدم متفاوت فرو می روند، به مرور در خط و خطوط طراحی شده از سوی کارگردان نمایان می شود. میزانشن ها هم طوری پیش می رود که همگی دال بر تصنعی بودن روابط باشد، چون قرار است فاصله ای بین اصل و غیر اصل قرار داده شود و تماشاگر به کنکاشی پیرامون اصل موضوع تفکر کند که در پس اجرا قرار می گیرد.

نکته در اینجاست که وقتی فضا خالی می شود باید عنصر و اتفاقی جایگزین آن شود که به تدریج مانعی در ارتباط تماشاگر با دنیای متن ایجاد نشود.

آنچه در اجرای «آخرین بازی» می دیدیم خالی تر از آن بود که بتواند برای تمام دقائق صحنه را پر کند. البته گاهی موسیقی و آوای تورج شهبلائی، ریتم لازم را به وجود می آورد اما باز هم احساس می شد که باید ابزار و عناصر دیگری در خدمت اجرا باشد. وقتی به روابط بازیگران دقیق می شویم، درمی یابیم که عنصر «بازی» با توجه به فحوای متن و اجرا می توانست در این فضای خالی نقش برجسته تری داشته باشد. سعید زندی و بهارک ببری در حد بضاعت خود در صحنه حضور فعالی دارند و کارگردانی نیز سعی بر آن داشته که در نهایت بهره مندی از همه چیز در صحنه، اعضای خود را به ثبت برساند.

اما باید اذعان داشت که این اجرا می توانست بهتر از اینها در خدمت تماشاچی برای درک مفاهیم باشد. هر چند خود متن نیز در نمایاندن این ارتباط و پرورش و پرداخت شخصیت ها و پیش بردن وقایع به اولیه ترین مستندات کلامی تکیه کرده است، در صورتی که بازی این موقعیت و چالش عشق و قدرت نیاز به کلام و بیان خارق العاده تری دارد که شاید بتوان به آینده همین نویسنده در پرداخت چنین مضمونی امیدوار بود.

همچنین در چینش وسایل صحنه و استفاده از نور نیز کوتاهی شده است، برای آن که ترکیب بندی تصاهیر می توانست باز به نوعی در جهت های پرشدن خلا تحمیلی از سوی اجرا کمک کند.

مخلص کلام اینکه «آخرین بازی» با تکیه بر تفکرات پیتر بروک در یک مقدمه قابل پذیرش برای تماشاچی فهیم قابل درک و احترام می شود.

نمایش «آخرین بازی» به نویسندگی احسان رضایی و کارگردانی محمدرضا درند از شهر کرمانشاه که در روز اول جشنواره در تالار ۲ اجرا شد در فضایی کاملاً تمثیلی به رویارویی عشق و قدرت می پرداخت.

نویسنده برای آنکه بهتر بتواند به مفاهیم نمادین خود شکل اجرایی بدهد و از بند خود سانسوری بگذرد به زبان و فضایی دور از زمان حال رجوع کرده است بی آنکه در قید و بند محدوده تاریخی خاصی باشد.

نویسنده، عشق و قدرت را در قالب زن و مرد تصویر می کند و البته این رویارویی نیز در یک بازی نمایشی و موقعیت خیالی به واقعیت اجرایی می پیوندد.

نمایش در نگاه اول به یک فضای خالی و چند وسیله بلا استفاده تبدیل می شود. در این فضای خالی یک قاب بزرگ شکسته به چشم می آید که در پیش زمینه آن دو سکوی بلند و دو مکعب کوچک قرار دارد. در وسط و انتهای صحنه نیز یک صندوق قرار دارد که وسیله ای برای جای دادن ابزار بازی و نمایش است. علاوه بر اینها شاهد یک چرتکه، پارچه نارنجی، ماسک و کوزه هستیم.

گروه موسیقی نیز که شامل آلات موسیقی کوبه ای و گیتار هستند، در گوشه ای از اجرا نشسته اند. با این امکانات اجرایی بر تصنع گرایی و تئاتریکال شدن نمایش دلالت می شود. حالا به مرور باید از این وسایل به شکل نمایشی بهره برداری تصویری و معنایی شود. بازیگر هم جزئی از اجرا می شود، او نیز باید بدن و بیان خود را در خدمت یک اجرای تئاتریکال بگذارد، تا با ایجاد فاصله ای بین دنیای متن و دنیای واقعی فرصتی برای تفکر پیرامون ایده های اصلی و فرعی فراهم شود.

تا اینجا در می یابیم که گروه بازی از شهر کرمانشاه بر اجرای نمایش خود تسلط داشته اند. یعنی هیچ چیزی بدون تفکر قبلی در صحنه نمود عینی نمی یابد. حتی موسیقی نیز در لحظه لحظه اجرا باید جزو نمایش و برای پررنگ شدن تفکر موجود در آن باشد.

به عبارت دیگر موسیقی نمی خواهد به شکل مستقل و برای تنوع و تفریح در حاشیه اجرا قرار بگیرد.

در زمان اجرا می بینیم که صندوق وسیله ای برای اسارت بازیگر (زن) می شود، ستون ها نشانه ای از قصر پادشاه، چرتکه وسیله ای برای حساب و کتاب که به کدام سوی ماده و معنا گرایش پیدا کنند و کوزه هم برای مستی مرد و در دستان او ابزاری می شود ...

این درد ابدی است

رامتین شهبازی

پیر زن در رمان جودگمنام، جاودانه توماس هاردی به او می گوید: «تو خوشبخت نخواهی شد، زیرا پدر و مادرت افراد خوشبختی نبودند.» وقتی خواننده به فصل خودکشی کودکان خردسال او می رسد می فهمد پیرزن - نماد پیشگوی عاقل - تا چه حد درست سخن گفته است. در انتهای نمایش سانتا کروز هم وقتی ناخدا می میرد، صدای دخترش «ویولا» در فضا می پیچد که - من دختر تو هستم. از خون تو. در آغاز زندگی. من هم زندگی را تجربه خواهم کرد.»

اینجاست که نکته بین تمام مهمه های ذهنی که در صحنه شنیده می شود در ذهن تماشاگر جرقه می زند. آیا ویولا نیز سرنوشتی همچون مادر و پدرش خواهد داشت؟ او نیز همچون مادرش خواب های آشفته می بیند. پس شاید؟ می دانم نگاه اصلی پشت سر سرنوشت تقدیر از نوع نگاه ناتورالیستی نیست. اما ماکس فریش و هماروستا در یکی از لایه های زیرین اثر خود این موضوع را مد نظر داشته اند.

نمایش از دکوری ثابت بهره می برد. این دکور ثابت گاه عرشه کشتی است و گاه قصر مرد نجیب زاده. به جز نورهای رنگی انتهایی صحنه، نورپردازی کار نیز تقریباً یکسان است. تمام شخصیت ها به نوعی در یک فضا قرار دارند. همه آنها سعی می کنند از موقعیت حقیقی خود فرار کنند - کاپیتان به هاوایی می رود و مرد نجیب زاده به دل سرما - اما تمام آنها باید به همین موقعیت باز گردند و درد ابدی خود را به دوش بکشند. اما گناهی بزرگ است که بخواهیم یک اثر را به یک نگاه خاص محدود کنیم. کشف حقیقت - که معمولاً دردناک است - یکی دیگر از تم های بازی سانتا کروز است. همچون یکی از دیالوگ های نمایش که از زبان دو شخصیت متفاوت تکرار می شود نمی توان دو چیز را همزمان در اختیار داشت. «آن کسی که زمین را انتخاب می کند، نمی تواند دریا را داشته باشد یکی زمین را انتخاب می کند، یکی دریا را. یکی هاوایی را یکی قصر و فرزند را و...»

بازیگران در دوره ای که نسبت به زمان امروز نمایش، هفده سال دور است لباس هایی سپید به تن دارند. صاف و روشن هستند. عشق می ورزند و... اما امروز وقتی پرده ها فرو می افتد قصه دیگری است. لباس ها تیره هستند از شادابی جوانی خبری نیست. چالاک بازیگران جای خود را به سکون می دهد. تنها شخصی که از ابتدا تا انتها حضوری تقریباً یکسان دارد «پدرو» راوی است. «هما روستا» برای تبیین منظور خود از نشانه هایی ساده سود می جوید. تغییر رنگ لباس و شکل فیزیک بازیگران در تابلوی ثابت خیلی زود خود را به رخ تماشاگر می کشد و ارتباطی ذهنی با او برقرار می کند.

فارغ از این نگاه مضمونی، روستا با خلق میزانسن های هندسی سعی دارد دائماً مثلث عشق موجود در اثر را به تماشاگر یاد آور شود. خطوط میزانسن های مثلثی که سه راس این مجموعه را بهم می رسانند.

نمایش با محوریت کاپیتان آغاز می شود. صحنه تاریک است و تنها کاپیتان به ندای موسیقی واکنش فیزیکی نشان می دهد. در انتها نیز تنها نور موجود در صحنه کاپیتان را محاصره می کند.

بیشتر تلاش کارگردان نیز در راستای شخصیت پردازی همین شخصیت است. از همین رو فصل هایی مثل مواجهه مرد نجیب زاده و مهترش چندان کارآیی در کلیت اثر پیدا نمی کنند و موجبات ملال تماشاگر را پدید می آورد.

سایه های انتهای صحنه نیز در نمایشی که بیشتر به گفت و گو تکیه دارد را تصویری می کند. به دلیل حضور راوی در صحنه و جبه ای سوپزکتیو به نمایش می دهد و به نوعی ترجمان ذهن نویسنده در برخورد با واقعیتی است که در زمانی دور رخ داده.

زمستان راننده ام اما سانتا کروز - فارغ از عجله های اجرایی جشنواره ای - هما روستا را کارگردانی موفق نشان می دهد.

تعزیه خوانی در تکیه دولت

به مناسبت بیست و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر، گروه های نمایشی تعزیه خوانی هم تا پایان سال دارای محلی برای اجرای تعزیه می شوند.

تکیه تئاتر شهر که به همین منظور توسط پیام فروتن در مجموعه تئاتر شهر طراحی شده است، حدود هفتصد نفر گنجایش دارد و روز اول با مجلس شبیه خوانی ذیح اسماعیل «عید قربان» با حضور دکتر خسرو نشان رئیس مرکز هنرهای نمایشی افتتاح شد.

در روزهای آینده نیز گروه های مختلفی از تهران، قزوین، شیراز، اراک، رودبار، سبزوار، سمنان و قهرش مجالس شبیه خوانی با موضوعات مختلف برگزار می کنند

پیام فروتن در باره طراحی تکیه توضیح داد: «تکیه را به درخواست حسین پارسایی ساخته ایم و سعی کرده ایم در ساخت آن به مؤلفه های اصلی تکیه از نظر سنتی وفادار باشیم.»

از آنجا که تکیه به سبک تکیه دولت و به صورت موقت ساخته شده، ساختمان اصلی آن با داربست بسته شده و به صورت هشت ضلعی طراحی شده است.

فروتن در ادامه توضیحاتش گفت: «تکیه چهار در دارد که برای هر در کتیبه ای طراحی کردم. کتیبه ها با نامهای حضرت محمد(ص)، فاطمه(س)، علی (ع) و امام حسین(ع) مزین شده اند.»

این تکیه به نحوی طراحی شده که یکی از درختان محوطه تئاتر شهر حد فاصل بین سن و تماشاگران قرار گرفته است که به صورت نمادین به آن دخیل بسته اند و نورپردازی خاصی به آن داده شده است.

گروه مجلس شبیه خوانی ذیح اسماعیل تا پایان سال با علاء قاسمی یکی از تعزیه خوانان بنام قرارداد بسته است تا هرشب در این تکیه مجلس تعزیه داشته باشند.





آنها یاد گرفته‌اند که فراموش کنند!

مریم رضازاده

نیست:

«گروه هفت» درست مثل اسمش از هفت هنرمند تئاتر تشکیل شده است که همگی آنها در دوره فوق لیسانس تئاتر با یکدیگر هم‌دوره بودند و از این حیث تجربه‌های مختلفی با هم داشته‌اند، راضی در این باره، می‌گوید: «در آن دوره همه ما به صورت انفرادی کار تئاتر می‌کردیم ولی چون واحدهای درسی مشترکی با هم داشتیم، ناخودآگاه به ایده‌های مشترکی هم رسیده بودیم از طرفی نمایشگاهها و اجراهای مختلفی هم با یکدیگر دیده بودم و در باره آن به صحبت نشسته بودیم که خود عامل دیگری در جهت همفکری ما با هم می‌شد و تمام اینها باعث شکل‌گیری گروه تئاتر هفت شد.»

گروه از سال ۲۰۰۴ فعالیت خود را آغاز می‌کند و تا امروز هم نمایشهایی چون «وقتی شب می‌افتد»، «یک بلیت برای بهشت»، «عمل در مترو» و تولدت مبارک دن کیشوت» را اجرا کرده‌اند. آنها همگی از فرهنگها و ملیت‌هایی چون فرانسه، اسپانیا، ایران، کلمبیا و روحانی هستند ولی همگی به دلیل استقرار در پاریس به زبان فرانسه گفت‌وگو می‌کنند و به پیروی از زبان و ادبیات فرانسه ناگزیر گرایش به آن سمت دارند ولی در کنار این کار یکی دیگر از روشهای گروه استفاده متفاوت از عامل زبان در تئاتر است.

راضی و دیگر اعضای گروه هفت معتقدند که زبان صرفاً عامل انتقال مفاهیم و معانی نیست و این کار رسیدن به همان تجربه‌ای است که گروه به دنبال آن است.

گروه «تئاتر هفت» زبان را تبدیل به یک عنصر زیبایی‌شناسانه می‌کند و این همان قاعده‌ای است که آنان دوستش دارند و آن را دنبال می‌کنند. البته در نمایشی مثل «یک بلیت برای بهشت» این اتفاق بیشتر روی می‌دهد. چون اعضای گروه نمایشی تبدیل به تماشاگران تئاتر و برعکس مخاطبین کار تبدیل به بازیگران می‌شوند و در این مسیر اعضای گروه هر یک به زبان کشور خود صحبت می‌کنند. در واقع آنها به تعبیر کلی

گروه «تئاتر هفت» از کشور فرانسه، امسال با دو نمایش «بلیتی برای بهشت» و «تولدت مبارک دن کیشوت» در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده است. مدیر گروه هر دو نمایش «علی‌راضی» دانشجوی ایرانی مقیم فرانسه است. از لحظه اولی که مصاحبه‌ها شروع شد او با فاصله‌های چند ثانیه به چند ثانیه مجبور به بلند شدن و دیدن دوستان قدیمی بود. اما با این حال حرفهایی از او و گروه هفت شنیدیم که شنیدنش خالی از لطف



تماشاگر بازیگر

باربد برزویه

یک بلیت برای بهشت از بسط یک ایده شکل می گیرد. ایده مشارکت تماشاگر در اجرای نمایش کار بایک سؤال آغاز می شود که گروه از تماشاگران می پرسند؛ شما هم برای دیدن این نمایش آمده اید؟

این سؤال مرز میان تماشاگر و اجرا کنندگان را از میان بر می دارد و تماشاگران و سیله ای می شوند تا بازیگران از دل واقعیت که در لحظه شکل می گیرد لحظات دراماتیک خلق کنند. از دیگر سو همواره تماشاگران با شخصیت های یک اثر به نوعی همذات پنداری می رسند. اما قادر به بروز واکنش های بیرونی در ارتباط با آن نیستند. اینجا کارگردان های نمایش تماشاگر را می دارند که با آنها همدلی بیرونی داشته باشند. تمام تماشاگران به بازیگران برون گرا تبدیل می شوند که باید به یک لحظه دراماتیک پاسخ دراماتیک بدهند. بنابر این کل فضای واقعی اولیه تبدیل به فضایی دراماتیک می شود گروه اجرایی هفت در طول اجرا بخصوص لحظات اولیه تا حد زیادی به این مهم دست می یابند اما اشکال هایی نیز وجود دارد؛ حضور مرد کنترل چی از لحظات اولیه حالتی نمایشی به کار می دهد. این کنترل چی می توانست حضوری کمرنگ تر داشته باشد. حضور اشکان خطیبی نیز بسیار به حضور یک بازیگر حرفه ای نزدیک است و در فضای مورد نظر گروه خلل وارد می کند.

به هر حال حضور ذهن بازیگر دختر کار نیز مثال زدنی است که از کنار هیچ موضوع ساده ای علی رغم نا آشنایی با زبان و فرهنگ مخاطب به سادگی عبور نمی کند. او اگر چه مخاطب نیست به زبان و فرهنگ فرانسوی موضع می گیرد. اما این بازیگر آنقدر اصرار می کند تا او واکنش نشان دهد. با توجه به رشد چشمگیر تئاتر تجربی و کارگاهی در ایران اجرای این شکل کارها از خارج کشور می تواند مفید باشد.

دوست دارند مثل بازیگران عهد قدیم که روی گاریهای خود سفر می کردند، بنشینند و از مردم پول بگیرند، نمایش اجرا کنند و ساده باشند و به همین دلیل همین اعتقاد دارند که کارهایشان نیازی به توضیح ندارد و تماشاگر است که باید در باره کار حرف بزند چون این بار جای آنها با مخاطبانشان جابه جا شده است.

راضی در باره مفاهیم نمایشهایشان می گوید: «ما در کارها نگاهی فلسفی هم داریم و در تمام آنها شاید با دیده انتقاد هم می نگریم ولی این انتقاد به معنای زور کردن چیزی به تماشاگر نیست زیرا اساساً نمی شود مفاهیم را به تماشاگر زور کرد و بدین ترتیب معانی کارهای ما توسط تماشاگر تعبیر و تفسیر می شود، از این رو ما در گروه با تأکید بر موسیقی زبان و بدن بازیگر به دنبال این هستیم که از کار تئاتر لذت ببریم و تمام آن لحظه ها را با تماشاگر تقسیم کنیم.»

این هنرمند ایرانی تأکید زیادی دارد که کارهایشان به هیچ عنوان شعار نیست و در این باره اضافه می کند: ما انرژی مان را به تماشاگر منتقل می کنیم و همین برای ما کافی است به همین دلیل هم به دنبال انتقال مفاهیم بزرگ و سیاسی نیستیم زیرا که کار تئاتر بیانیه دادن نیست بلکه باید به مفاهیم عمیق تری توجه کنیم.

گروه «تئاتر هفت» همگی درس خوانده های تئاتر هستند در حالی که از تئوری پردازی هم بیزارند. آنها تئوریهای تئاتری را می دانند ولی در کارهایشان از این تئوریا استفاده نمی کنند. زیرا آنها یاد گرفته اند که فراموش کنند!

در پایان گفت و گو، راضی در باره شکل گرفتن متن و یا سوژه های نمایشی گروه می گوید: «ما هیچ وقت نمایشنامه ای نداریم که بخواهیم روی آن کار کنیم بلکه تمام متنها را در مسیر تمرین ها پیدا می کنیم. مثلاً در «تولد مبارک دن کیشوت» قسط دو صدلی، دو بازیگر و یک رمان «دن کیشوت» را داشتیم و هیچ ایده ای برای شکل گیری کار در ذهنمان نبود، پس همینطوری به سادگی و مثل بچه ها جلو رفتیم بدون این که از قبل فکر کنیم و تصمیم بگیریم. در طول تمرینها چیزهایی را خلق می کردیم. آنهایی را که خوب بود نگه می داشتیم و آنهایی را که مناسب کار نبود دور می ریختیم. وقتی هم که بچه ها با من صحبت می کردند هیچ وقت به آنها نمی گفتم که چه کاری را انجام دهند، بلکه به آنها می گفتم که چه چیزی را حذف کنند! پس می بینیم که تمرینهای گروهی ما همه چیز کارهایمان است.

البته نباید فراموش کنیم که ما هر نمایشی را با توجه به فرهنگ و زبان منطقه، شهر و کشوری که در آن می رویم، آدابه می کنیم و تغییر می دهیم. این اتفاق برای اجرای این نمایشها در ایران هم روی داده است، چون در هر حال باید مخاطبان را با کار درگیر کنیم و اگر این اتفاق نیافتد، کار ما موفق نبوده است.

“Who was it?” The First Street Theater in the 23rd Festival

The street play “Who was it?” written by Ali Nematizadeh and directed by Saieed Ghodizadeh was performed on the first day of the 23rd festival.

It is the story of a traffic warden whose salary is stolen. The man, who is so forgetful, seeks people’s help to remember past events and find the money. In an interview about the characteristics of the play, Ali Nemati, the writer, says: “One of the characteristics of the play is the social satire.” Our purpose of performing the play is to deal with the problem of the young to find decent jobs. The play lasts for 20 minutes.

Arthur Miller, Samuel Beckett, Jasmin Reza and Max Frisch on the first day

The greatest number of foreign plays was performed on the first day of the 23rd festival. This festival opened with the performance of “Waiting for Goodo”, the masterpiece of Samuel Beckett, directed by Homayoun Ghanizadeh.

Another performance of the same play directed by AliAkbar Alizad opened at Molavi .Hall at 15:00 and 17:30 yesterday. Manijeh Mahamedi is also directing “A view from the bridge” by Arthur Miller performing at 18:30 in the main hall of Theater-e-Shahr Complex. Vahid Rohbani is another director who has chosen a play by a contemporary playwright to be performed in the 23rd festival. He also directs “The Accidental Man” By Jasmin Reza, performed in Khaney-e-Namayesh

Written by Max Frisch and directed by Homa Roosta, “Santa Cruise” was performed in Chaharsoo Hall

Moreover, Helena Waldman from Germany also directs “The Occupied Zone” in which some top Iranian actors perform

Specialized Seminars and Foreign Workshops Schedules

The workshops of the 23rd International Fajr Theater Festival open on Sunday, January 23 in the conference hall of Khaney-e-Honarmandan. These workshops will run on a daily basis from 10 to 12 in the morning. On the first day, Victor Golchengo, the head of the Russian International Chekhov Laboratory, held a workshop on Chekhov.

The French group performing “A Ticket to the Heaven” and “Happy Birthday Don Quixote” is also conducting a workshop on different elements of street theater, such as makeup and acting.

Soleyman Albassam from Kuwait will be having a lecture on “Alhamlet” on Tuesday, followed by another lecture on women writers on Wednesday by the German group performing “Marin Baad”.

The theater workshop on Thursday will be on “The Night of Bronte Sisters”. Sergio Krilleno, the head of the ITI, will be conducting a discussion about the goals and plans of his organization to cooperate with the Iranian theater. Sima Tirandaz is the managing director of the workshops of the 23rd International Fajr Theater Festival.

“Who was it?” The First Street Theater in the 23rd Festival

TODAY’S PERSPECTIVE

Friday, Jan 21st

Vahdat Hall
Performance: 19:00
The Occupied Zone
Director: Helena Waldman

Sangelaj Hall
Performances: 16:00
– 18:30
Love – Dream – Darkness
Director: Asghar Khalili

Honar Hall
Performances: 16:00
– 18:00
The Greek Mishmash
Director: Pejman Bazargan

Molavi Hall
Performances: 15:00
– 17:30
Bureaucracy
Director: Samira Sinaii

Khaneye Namayesh
Performance: 15:00
The End of the Game
Director: Mohammad Arab Asadi

Kargahe Namayesh (Theater-e-Shahr)
Performances: 14:00
– 18:00 – 20:00
I have to go, It is too late!
Director: Mohammad Aghebati

The Café of the Main Hall (Teriaye Talare Asli)
Performance: 15:00
The Ticket to the Heaven
A Group Effort

Khorshid Hall
Performance: 16:00
Five Caprices for the Violin
Director: Mahmoodreza Rahimi

No Hall (Theater-e-Shahr)
Performance: 16:00
The Gray
Director: Shahram Karami

Koochak Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 16:00
– 19:00
The Immigrants

Director: Hamid Pourazari

Chaharsoo Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 17:00
– 21:00
Cain and Abel
Director: Atilla Pesyani

Sayeh Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 17:30
– 20:00
The Trapped Man
Director: S.Javad Taheri

Ghashghai Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 18:00
– 20:00
Anova
Director: Davood Daneshvar

The Main Hall (Theater-e-Shahr)
Performances: 18:30
– 21:00
The Inspector
Director: Behzad Farahani

Outdoors (Theater-e-Shahr)
Performance: 14:00
Passion-Play: Fazl and Fattah

Goftogoo Hall (Review Session)
Performances: 14:00
– 15:00
The Wind’s Causeless Sound
Director: Amin Behroozi
The Inconvenient Phone Call
Director: Behrooz Seddighi

Tajrobeh Hall (Khaney-e-Honarmandan)
The End of the Game
Performance: 10:00 to 16:00
Director: Houliid Lashkarinejad

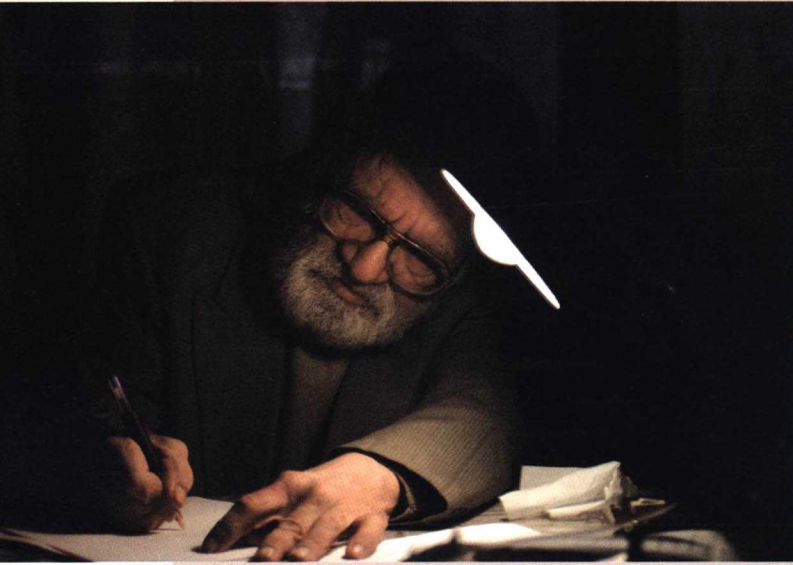
Specialized Seminars and Foreign Workshops Schedules

A Tribute to Reza Karam Rezaii Half a Century of Love

It is dusk, he looks warmly around the room, standing in front of the window and looking into the distance. On the other side of the window, the branches are dancing in the wind shedding their last gold leaves. He speaks softly and articulately. His sentences are short and brief. One moment later, his pen is sliding on paper, leaving a sketch of a wheelchair, a hat and glasses... This is how Reza Karam Rezaii introduces himself:

"I was born in 1937 in Songhorabad, a village in Kermanshah. My mother dies at my birth. So, my father takes me to a nanny in a village called Olta Najin. He was a real altruist, always willing to help others. In the chaotic years following the Second World War, he is shot killed while fighting against armed bandits. God bless him! Then my uncle brings me, a five-year-old boy, to Tehran and raises me. I am married now with four children, two sons and two daughters, who are all highly educated. I had my early studies in Tehran and went to Drama school from 1956 to 1959. Then, from 1961 to 1966, I studied at The Institute of Theater, Film and Television at the University

of Munich and earned the first-rate degree in arts, which is equivalent to experimental doctoral degree according to the evaluation board of the arts in the ministry of culture and Islamic guidance."



Acting in this Festival:

An Opportunity to Discover The New

“How many plays do you perform in this year?”

That is the question we often ask our favorite actors during the festival so that we will be able to plan to watch their performances. Even though we know having more than one part is not so easy, we still hope our favorite actors play more in order to see them perform several times in the public performance of different plays.

But this year, nobody will ask such a question! We all know that each actor can perform in at most two different plays, which is one of the alterations made to this festival. Regardless of the length of the parts, each actor is allowed to play in at most two parts, according to new regulations. This is to ensure that more actors will be involved and to prevent concentration on specific ones, which was referred to as the detriment to the festival by some actors. They believed that the presence of one specific actor in several plays will lead to lack of concentration on all and therefore, there will always be a possibility of undermining their abilities.

The idea was initially welcomed by some busy actors. Nevertheless, it raised concerns as well. They were satisfied that the parts would be allotted to more actors. However, they were also aware that it would not be an easy task to decide upon parts to play. Moreover, there is a high possibility that their chosen parts will be rejected after the inspection, which means they will not be able to perform in the festival.

Many actors try to plan ahead in consonance with the festival by deciding which parts to select, meaning that if one fails to participate in the festival, they will be likely to have no performance in the following year.





2
Theatre
Daily Bulletin of the 23 rd
international Fajr theatre
Festival

FRIDAY, JAN 21TH